

آسیب‌شناسی پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران

علی باقری دولت‌آبادی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷
تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۸/۲۷

چکیده

پرسش اصلی مقاله این است که چالش‌های فراروی کاربردی‌سازی رشته روابط بین‌الملل در ایران چیست؟ و این چالش‌ها چگونه خود را در خروجی پژوهشی این رشته که به شکل مقالات علمی-پژوهشی است، نشان می‌دهند؟ چارچوب نظری پژوهش را رابطه نظریه و پژوهش از منظر دیدگاه‌های اثبات‌گرا و پسااثبات‌گرا شکل می‌دهند. برای این منظور، از هر دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. در جریان نگارش مقاله، آثار منتشرشده طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ در شش فصلنامه علمی-پژوهشی بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عدم اهتمام به پیش‌بینی مبتنی بر سناریوسازی، ناکارآمدی نظام آموزشی، فقدان دسترسی به داده‌های پژوهشی، نگاه ابزاری به پژوهش در ایران، قطع ارتباط دانشگاه با نهادهای اجرایی، ضعف نسبی در حوزه دانش نظری و عدم نقد در پژوهش‌ها، چالش‌های اصلی پیش روی کاربردی‌سازی رشته روابط بین‌الملل به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، پژوهش، دانشگاه، وزارت

امور خارجه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

توجه به علوم انسانی در میان مسئولان و تصمیم‌گیرندگان سیاسی کشور، طی یک دهه گذشته شدت چشم‌گیری پیدا کرده است. این رخداد، بیش از هر چیز مرهون دو اتفاق مهم بود: نخست، گذر از دوران سازندگی و پساچنگ که در آن رشته‌های فنی-مهندسی مورد توجه و اقبال واقع شدند و دیگری، بروز تهدیدات جدید از نوع نرم که حوزه فرهنگ را نشانه رفت. به همین دلیل، ضرورت بازاندیشی در علوم انسانی و متناسب‌سازی آن با نیازهای کشور، به یکی از دغدغه‌های جدی حال حاضر تبدیل شده است. اگرچه در این راه، برخی تغییرات در سرفصل‌ها در رشته‌های درسی مختلف صورت پذیرفت و رشته‌های تخصصی جدیدی به مجموعه رشته‌های دانشگاهی موجود اضافه شد، اما هم‌چنان هدف اصلی که کاربردی بودن رشته‌های دانشگاهی است، دور از دست‌رس است و این معضل، خود را در خروجی دانشگاه‌ها و موج روزافزون بیکاری نشان می‌دهد. این وضعیت زمانی بغرنج‌تر می‌شود که در نظر داشته باشیم تب مدرک‌گرایی، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، در ایران طی همین سال‌ها بالا گرفته و رشد بیش از حد تعداد دانشجو و رشته‌های تحصیلی را نیز شاهد هستیم. رشته روابط بین‌الملل به‌عنوان زیرمجموعه علوم سیاسی نیز از این توصیف مستثنی نیست و برخلاف دهه ۱۳۷۰ که تنها در دانشگاه‌های مهم پایتخت امکان ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی وجود داشت و مجموع پذیرش سالانه آن به ۱۰۰ دانشجو نمی‌رسید، اکنون در ۱۷ دانشگاه دولتی دانشجو می‌پذیرد؛ به‌نحوی که در سال ۱۳۹۵ میزان پذیرش مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه‌های سراسری در رشته روابط بین‌الملل به ۲۴۵ نفر، مطالعات منطقه‌ای ۲۵۰ نفر و دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی ۵۹ نفر رسیده است (ر.ک: دفترچه کنکور کارشناسی ارشد ۱۳۹۵، سایت سازمان سنجش). به صورت طبیعی، انتظار این است که این رشد تعداد دانشجو و گسترش رشته، اثرات مثبت خود را در حوزه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری سیاست خارجی برجای گذاشته و دانشگاه در کنار وزارت امور خارجه بعنوان بازوی پژوهشی، توصیه‌ها و راهنمایی‌های کاربردی در مسائل مختلف عرضه نماید. اما مشابه سایر رشته‌های علوم انسانی که ارتباط خود را با حوزه‌های کاربردی از دست داده‌اند، رشته روابط بین‌الملل و زیرمجموعه‌های آن شامل مطالعات منطقه‌ای

و دیپلماسی نیز تقریباً دچار این آسیب شده‌اند. نکته جالب توجه این که با وجود انجام پژوهش‌های مختلف درخصوص آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش در روابط بین‌الملل در ایران، این بُعد از مشکل و تبیین آن کمتر مورد توجه واقع شده است (عبدالله پورچناری و کمالی ۱۳۹۴ ازغندی ۱۳۸۲؛ مصفا ۱۳۸۵؛ سلیمی ۱۳۸۷؛ Haji Yousefi, 2010؛ Moshirzadeh, 2009؛ Mesbah, i 2009).

در پژوهش حاضر از طریق تمرکز بر آثار پژوهشی، با هدف کمک به رفع آسیب‌های ذکرشده، و نیز کاربردی‌سازی این رشته، نسبت به شناسایی موانع و چالش‌های پیش رو اقدام شده است. سؤال اصلی که به آن پرداخته می‌شود این است که چالش‌ها و موانع پیش روی کاربردی‌سازی رشته روابط بین‌الملل در ایران چیست؟ و این چالش‌ها چگونه خود را در خروجی پژوهشی این رشته که به شکل مقالات علمی-پژوهشی است، نشان می‌دهند؟ برای این منظور، از دوروش کمی و کیفی استفاده خواهد شد. بدین صورت که ابتدا مقالات منتشرشده طی بازه زمانی دوساله (۱۳۹۳-۱۳۹۵) در ۶ فصلنامه علمی-پژوهشی حوزه روابط بین‌الملل در ۹ گروه دسته‌بندی شده، آنگاه مقالات مرتبط با حوزه سیاست خارجی بر حسب موضوع در ۴ زیرعنوان تخصصی جای گرفته و از لحاظ داشتن چارچوب نظری، تجویز و پیش‌بینی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده در بخش دوم مقاله که مبتنی بر روش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی خواهد بود، چالش‌های پیش روی کاربردی‌سازی پژوهش‌های روابط بین‌الملل تشریح خواهد شد.

۱. چارچوب نظری: پژوهش و روابط بین‌الملل

عرصه روابط بین‌الملل همواره عرصه جدال فکری و مناظرات متعدد بوده است. به همین خاطر نیز نظریه‌های جدید غالباً از جدال دیالکتیک گونه آن‌ها متولد شده است. از زمان شکل‌گیری رشته روابط بین‌الملل در سال ۱۹۱۹، تقریباً همیشه دوران‌هایی از مناظره میان نظریه‌ها و پارادایم‌های این رشته وجود داشته است. گرچه در محتوای این مناظرات، یک‌پارچگی در دیدگاه‌های هر طرف از مناظرات، میزان و علت هرثمونیک بودن صداها، مسلط و... تردیدهای جدی ابراز شده، اما عموماً این نکته کم‌وبیش پذیرفته شده که روابط بین‌الملل تاکنون سه یا چهار دوره

از «مناظره» میان رهپافت‌های مختلف نظری را تجربه کرده است. بر اساس داده‌های تاریخی روابط بین‌الملل، اولین مناظره را مناظره میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی می‌نامند که بیش‌تر جنبه هستی‌شناختی داشت. در این مناظره، جدال اصلی و اختلاف بنیادین، در مورد سرشت سیاسی بین‌المللی و انگیزه‌های رفتار دولت‌ها بود. مناظره دوم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شکل گرفت. این مناظره میان سنت‌گرایان و رفتارگرایان بود که جنبه معرفت‌شناختی و در ابعادی جنبه روش‌شناختی داشت (باقری دولت‌آبادی و شفیعی، ۱۳۹۵: ۵۱). در خصوص مناظره سوم (که مناظره‌ای میان-پارادیمی است)، ظرف زمانی آن، طرف‌های اصلی درگیر در آن و ... اتفاق نظر چندانی وجود ندارد؛ به همین خاطر گاه صحبت از مناظره بین رفتارگرایان و فرار رفتارگرایان به‌عنوان مناظره سوم می‌شود و گاه آن را با مناظره چهارم ادغام کرده و مناظره میان خردگرایان و بازاندیش‌گرایان می‌دانند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۹).

مناظره دوم (رفتارگرایی در برابر سنت‌گرایی) همان‌گونه که اشاره شد، در برخی ابعاد جنبه روش‌شناختی داشت. به همین خاطر، فضای پژوهش‌های شکل‌گرفته در حوزه روابط بین‌الملل را تغییر داد. مکتب رفتارگرایی که خود را ملتزم به دیدگاه‌های معرفت‌شناختی اثبات‌گرایی می‌دانست، تجربه‌گرایی را وارد پژوهش‌های روابط بین‌الملل کرد و به دفاع تمام‌قد از آن برخاست (سیدامامی، ۱۳۸۹: ۵۱). از نظر رفتارگراها، علم بر پایه قواعد منطق و شواهدی که خارج از اختیار پژوهش‌گر است و بلندپروازی‌های نظری او را محدود می‌کند، پدید می‌آید و دانش‌مندان باید ادعاهای خود را در پرتو شواهدی که مستقل از ذهن و درک آنان وجود دارد، محک بزنند (سیدامامی، ۱۳۸۷: ۲۴ و ۳۱). بر این اساس، روشی را می‌توان علمی محسوب کرد که دربردارنده خصوصیات هم‌چون آزمون‌پذیری تجربی، انسجام منطقی و پذیرش ضوابط و فرایندهای جمعی و بینادهنی نقد و ارزیابی و گاه نیز فراتر از آن، استفاده از مدل‌ها و روش‌های کمی، تجربه کنترل‌شده، اتکا بر سازوکارهای زیرین و بنیادین و... باشد (لیتل، ۱۳۷۳: ۳۷۶-۳۷۵). از دید رفتارگرایان یا همان علم‌گرایان، وظیفه اصلی تحقیق علمی عبارت است از این‌که با جمع کردن نظریه و امر واقع در رابطه‌ای متناسب با یکدیگر، به شکلی نظام‌یافته تبیین‌هایی را تولید کرد (مشیرزاده و مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). هم‌زمان با موج رفتارگرایی در روابط بین‌الملل، حوزه تحلیل سیاست خارجی به‌عنوان حوزه‌ای از روابط بین‌الملل نیز تحت تأثیر آن قرار

گرفت و کم‌وبیش یک فضای خردگرا، کمی‌گرا و علم‌گرا بر آن حاکم شد. در این حوزه، تجزیه و تحلیل سیاست خارجی به‌عنوان فرایندی پیچیده و چندلایه تعریف شد که هم شامل اهدافی است که دولت‌ها در روابط خود با دیگر دولت‌ها دنبال می‌کنند و هم شامل وسایل رسیدن به آن‌هاست (مشیرزاده، عباسی خوشکار و محروق، ۱۳۹۳: ۱۰). برای ارزیابی این اهداف و شیوه‌های رسیدن به آن فرضیه‌سازی، استفاده از روش‌های کمی و مقایسه‌ای، به‌دستور کار معمول پژوهش‌گران تبدیل شد. این روبه‌تا‌جایی ادامه یافت که پیروان آن، سایر پژوهش‌های مبتنی بر روش‌های تاریخی و توصیفی را رد و اثبات‌گرایی را به نسبت سایر روش‌های علمی برتر ارزیابی کردند (Kurki, 2008: 95).

رویکرد دیگری که همزمان با موج سوم نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل در دهه ۱۹۷۰ و متأثر از مکتب فرانکفورت به عرصه روابط بین‌الملل و پژوهش سیاست خارجی راه یافت، رویکرد انتقادی-تفسیری بود (مشیرزاده، عباسی خوشکار و محروق، ۱۳۹۳: ۱۷). پس از آن که ناکامی رویکردهای اثبات‌گرا در تبیین برخی رخدادها و شرایط جامعه خود را نشان داد، متأثر از نظریه‌های پسا‌ساختارگرا، رویکردهای تفسیری نیز جای خود را در پژوهش‌های روابط بین‌الملل باز کردند. رویکرد تفسیری در مطالعه علوم اجتماعی مبنا را بر آن می‌گذارد که رفتار انسان‌ها را باید به گونه‌ای متفاوت از سایر موضوعات مورد علاقه علم درک کرد؛ زیرا «آنان در هر کنشی قصد و نیتی دارند، دست‌خوش احساسات و عواطف می‌شوند، با طرح و نقشه عمل می‌کنند و آن را در صورت لزوم تغییر می‌دهند و بر پایه تفسیری که از هنجارها و ارزش‌های جامعه دارند، عمل می‌کنند» (سیدامامی، ۱۳۸۷: ۴۳). پژوهش‌گر تفسیری قبل از هر چیز مدعی فهم است، فهمی که از راه هم‌دلی با موضوع شناسایی یا افراد مورد بررسی به‌دست آمده باشد (لیتل، ۱۳۷۳: ۳۹۱). تفسیر به‌دنبال درک معناست و محقق در تفسیر به‌جای علت‌یابی به معناکاوی می‌پردازد تا به فهم پدیده دست یابد. رویکرد تفسیری با روش‌های کیفی ملازمت دارد و رسالت خود را در فهم معانی، مفاهیم، تعاریف، تمثیل‌ها، نمادها و خلاصه آنچه دنیای اجتماعی را می‌سازد، می‌بیند. پژوهش‌گر می‌کوشد تا آنچه را در جهان معنادار انسانی رخ می‌دهد به خواننده منتقل کند (منوچهری و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۶). او به‌دنبال فهم قدرت و جستجوی آن در همه کنش‌ها و رفتارهاست؛

می‌کوشد تا رابطه آن را با گفتمان توضیح دهد؛ چگونگی تفوق یافتن آن بر سایرین را بازنمایی کند و توضیح دهد که چگونه می‌توان صدای به حاشیه‌رانده شده‌ها را شنید. پس، از نظر تفسیرگراها، هدف پژوهش تفسیر رفتارهای معنادار انسانی است که در بستر اجتماعی و تاریخی شکل می‌گیرند (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۱۳). به عبارت دیگر، ارایه حمایت تجربی برای دعاوی نظری که از طریق پژوهش حاصل می‌شود، از ویژگی‌های دانش پژوهش پساساختارگرایان و بازاندیشان است (Wight, 2009: 39). این رویکرد خیلی زود جای خود را در پژوهش‌های سیاست خارجی باز کرد و روش گفتمان به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های آن به روش مورد استفاده پژوهش‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تبدیل شد؛ به نحوی که در مقالات مورد بررسی در پژوهش حاضر، ۲/۷ مقالات از چارچوب نظری و روش‌شناسی گفتمان استفاده کرده‌اند. کوچک بودن سهم این روش در پژوهش‌ها از یک سو، به دشوار بودن کاربرد این روش به نسبت سایر روش‌ها و سلطه روش‌های اثبات‌گرا در سیاست خارجی بازمی‌گردد (ر.ک: ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۴۲-۱۱۹).

۱-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر، بر اساس دو روش کمی و کیفی انجام شده است. در قسمت کمی، مقالات ۶ فصلنامه علمی پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است. انتخاب ۶ فصلنامه برحسب سابقه انتشار و مکان انتشار صورت پذیرفت. بدین صورت که سه دانشگاه بزرگ تهران، علامه طباطبایی و شهید بهشتی در پایتخت و سه دانشگاه اصفهان، فردوسی مشهد و امام خمینی (ره) قزوین در سایر استان‌ها انتخاب شدند؛ دانشگاه‌هایی که بیش‌ترین سابقه را در امر تدریس علوم سیاسی و روابط بین‌الملل داشتند و دارای فصلنامه علمی پژوهشی بودند. از آن‌جا که دانشگاه اصفهان دارای فصلنامه علمی پژوهشی نبود، فصلنامه تحقیقات سیاسی-بین‌المللی دانشگاه آزاد شهرضا را که عموماً با مشارکت و هم‌فکری اساتید دانشگاه اصفهان انتشار می‌یابد، انتخاب کردیم. پس از انتخاب فصلنامه‌ها، مقالات منتشرشده در این فصلنامه‌ها از شماره زمستان ۱۳۹۳ تا زمستان ۱۳۹۵، یعنی یک دوره زمانی ۲ ساله، مورد بررسی قرار گرفتند. در مرحله اول، تعداد کل مقالات منتشرشده شمارش و برحسب موضوعات داخلی و خارجی از یکدیگر تفکیک شدند. در مرحله دوم، مقالات منتشرشده درخصوص مسائل خارجی برحسب موضوع از یکدیگر

تفکیک و مورد دسته‌بندی قرار گرفتند. در مرحله سوم، به مقالات با محوریت سیاست خارجی ایران پرداخته شد. با توجه به این که شناسایی دقیق ارتباط یک مقاله با سیاست خارجی ایران کاری سخت و دشوار بود، ضمن تمرکز بر عنوان و محتوای مقالات، تمامی مقالاتی که حتی به صورت غیرمستقیم ربطی به سیاست خارجی ایران پیدا می‌کردند نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند. این موضوعات در ۵ گروه دسته‌ای، روابط با قدرت‌های بزرگ، روابط با کشورهای خاورمیانه و تحولات آن‌ها، امنیت ملی و منطقه‌ای و مبانی سیاست خارجی جای گرفتند. منظور از مبانی سیاست خارجی در این جا آن دسته از آثاری هستند که به دنبال فهم نظری سیاست خارجی، توضیح آن بر اساس مبانی اندیشه‌ای و فکری و یا تحلیل آن در قالب نظریه‌های مختلف تصمیم‌گیری به وجود آمده بودند. از مجموع کل مقالات منتشرشده که ۲۹۳ مقاله بود، ۹۰ مورد آن به سیاست خارجی ایران ارتباط داشت. این مقالات از زوایای زیر بررسی شدند: رویکرد نظری، روش گردآوری داده‌ها، موضوع پژوهش و داشتن بعد تجویزی و پیش‌بینی تحولات آینده. نتایج بدست آمده در قالب نمودار ترسیم و پس از آن با استفاده از روش کیفی از نوع تبیینی چالش‌ها و موانع پیش روی کاربردی‌سازی رشته روابط بین‌الملل در ایران، تحلیل گردید.

۲. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش که بر اساس مطالعه مقالات بررسی شده به دست آمده، به قرار زیر است:

الف) موضوع مقالات

بررسی مقالات ۶ فصلنامه رهیافته‌های سیاسی و بین‌المللی، پژوهش‌های راهبردی سیاست، فصلنامه سیاست، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، مطالعات سیاسی جهان اسلام و تحقیقات سیاسی بین‌المللی که دو مورد آن‌ها جزء قدیمی‌ترین فصلنامه‌های علوم سیاسی محسوب می‌شوند، این نکته قابل توجه را نشان داد که از مجموع ۲۹۳ مقاله منتشرشده، ۲۰۶ مورد آن به حوزه مسائل خارجی و تنها ۸۷ مورد به موضوعات داخلی اختصاص داشت. به عبارت دیگر، ۷۰/۳۰ درصد مقالات در حوزه بین‌الملل و تنها ۲۹/۷۰ درصد به موضوعات

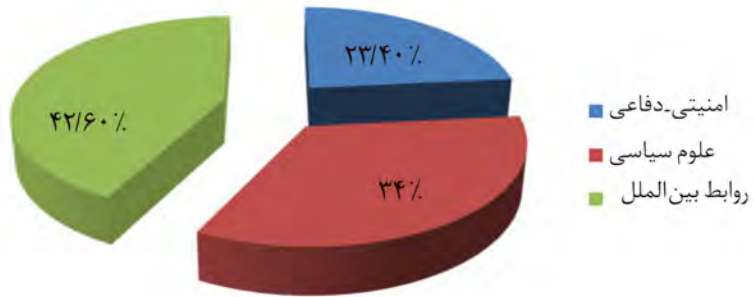
داخلی پرداخته بودند. اگر مسائل داخلی را به حوزه تحولات سیاسی-اجتماعی ایران، اندیشه‌های سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی تقسیم کنیم، آن‌گاه سهم اندک مقالات منتشرشده در هر حوزه بهتر نمایان می‌شود.

موضوع مقالات منتشرشده



این مسئله با عنایت به این که تعداد فارغ‌التحصیلان و دانشجویان درحال تحصیل رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، بیش از رشته روابط بین‌الملل است و از نظر زمانی، این رشته بسیار زودتر از رشته روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های ایران تأسیس شده است، بسیار جای تأمل دارد. از آن‌جا که یکی از علت‌های احتمالی آن، نوع فصلنامه‌های انتخاب‌شده در پژوهش حاضر بود که به رشته روابط بین‌الملل نزدیک بودند، ارزیابی فصلنامه‌های مجوزدار از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دستور کار پژوهش قرار گرفت. بر اساس لیست منتشرشده در آبان ۱۳۹۵ از سوی وزارت علوم، از مجموع ۴۷ فصلنامه علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی، ۲۰ مورد به مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۶ مورد به مطالعات علوم سیاسی و ۱۱ مورد به مطالعات دفاعی-امنیتی اختصاص داشت. به عبارت دیگر، سهم مطالعات علوم سیاسی در فصلنامه‌ها تنها ۳۴ درصد بود. این درحالی است که مقالات منتشرشده در این فصلنامه‌ها نیز گاه به موضوعات روابط بین‌الملل اختصاص یافته‌اند و این موضوع می‌تواند آسیبی جدی برای نیازهای پژوهشی در حوزه مسائل داخلی ایران باشد. شاید ضعف در نظریه‌پردازی در علوم سیاسی و تأکید رهبر معظم انقلاب بر ضرورت راه‌اندازی کرسی‌های نظریه‌پردازی، تا حدی به کم بودن این پژوهش‌ها بازمی‌گردد.

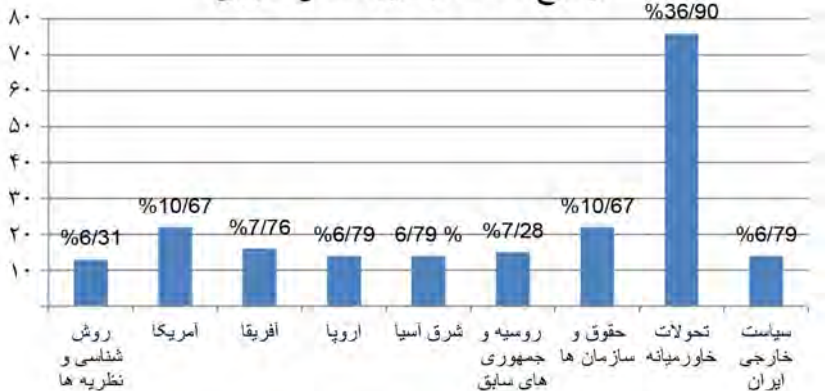
عناوین فصلنامه ها



۲-۱. موضوع مقالات مرتبط با حوزه سیاست خارجی ایران

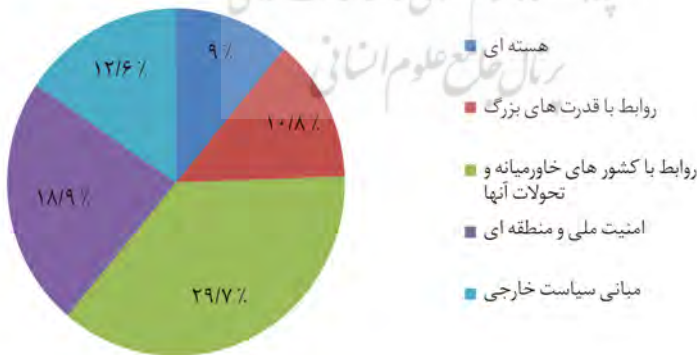
بررسی مقالات منتشرشده در حوزه مسایل بین الملل نشان داد که از ۲۰۶ مقاله منتشرشده، موضوع ۱۳ مورد مسایل نظری و روش شناسی، ۲۲ مورد آمریکا، ۱۶ مورد آفریقا، ۱۴ مورد اروپا، ۱۴ مورد شرق آسیا، ۱۵ مورد آسیای میانه و قفقاز و روسیه، ۲۲ مورد حقوق و سازمان ها و ۹۰ مورد موضوعات مرتبط با سیاست خارجی ایران بود. از این تعداد، تنها ۱۴ مقاله به طور خاص و مستقیم به سیاست خارجی ایران پرداخته بودند و ۷۶ مقاله تحولات خاورمیانه را توضیح می دادند که به صورت غیرمستقیم بخش هایی از آن به سیاست خارجی ایران ارتباط پیدا می کرد. به عبارت دیگر، پژوهش گران ایرانی ترجیح می دهند به جای تحلیل سیاست خارجی ایران به تحلیل موضوعات خاورمیانه بپردازند و این نقطه ضعفی جدی از لحاظ کاربردی بودن این پژوهش ها تلقی می گردد؛ چراکه این آثار در بهترین حالت و در صورت مورد استفاده قرار گرفتن می توانند به فهم رخدادهای منطقه کمک کنند، ولی راهکاری برای سیاست خارجی ایران ارائه نمی دهند.

موضوع مقالات در حوزه مسائل خارجی



در بخش مقالات مرتبط با حوزه سیاست خارجی، ۱۰ مقاله موضوع هسته‌ای، ۱۲ مورد روابط ایران با قدرت‌های بزرگ، ۲۱ مورد امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، ۱۴ مورد مبانی سیاست خارجی و ۳۳ مورد روابط با کشورهای خاورمیانه و تحولات این کشورها بعد از جنبش‌های اجتماعی سال ۲۰۱۱ را بررسی می‌کردند. مقایسه آمار این قسمت نیز گویای عدم توازن در پژوهش‌هاست. پژوهش‌گران ترجیح داده‌اند پس از بررسی تحولات خاورمیانه، با سهم ۲۹/۷ درصد به سراغ موضوعاتی بروند که به نوعی با موضوع اول ارتباط دارد، اما این بار اثر آن بر ایران سنجیده می‌شود. موضوعاتی همچون «تأثیر بحران سوریه بر امنیت ملی ایران»، «تأثیر استقلال طلبی کردها بر امنیت ملی ایران»، «دیاسپورای ارمنی: فرصت‌ها و تهدیدات پیش روی ایران»، «تأثیر تهدیدات گروه‌های سلفی-تکفیری بر امنیت هستی‌شناختی ج.ا.ایران» و... سهم این آثار در پژوهش‌های سیاست خارجی ۱۸/۹ درصد و پس از آن مبانی سیاست خارجی ایران با سهم ۱۲/۶ درصد، روابط با قدرت‌های بزرگ ۱۰/۸ درصد و موضوع هسته‌ای با ۹ درصد است. نتایج پژوهش مشیرزاده، عباسی خوشکار و محروق (۱۳۹۳: ۳۳) که به این یافته‌ها نزدیک است، این مسئله را امری طبیعی دانسته که به بحران‌های خاورمیانه و مسائلی که سیاست خارجی با آن دست و پنجه نرم می‌کند، ربط می‌یابد. اگرچه این تحلیل

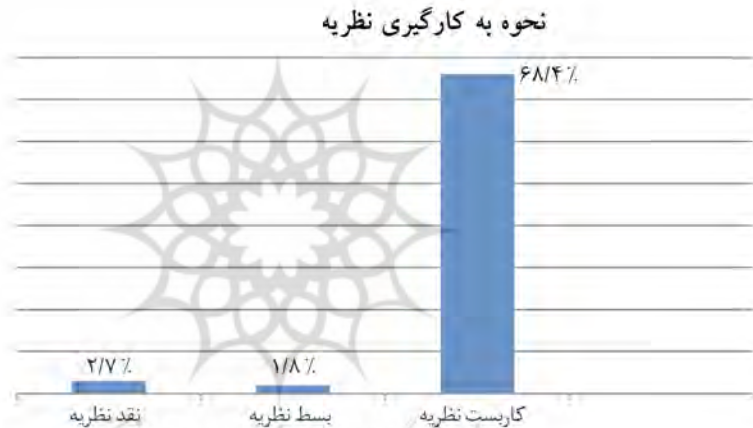
موضوع سیاست خارجی



ممکن است تا حدی درست باشد، اما در هر صورت نافی این مسئله نیست که در پژوهش‌های سیاست خارجی ایران تناسب لازم وجود ندارد و حجم بزرگی از مقالات به سمت تحولات خاورمیانه سوق پیدا کرده است.

۲-۲. چارچوب نظری مورد استفاده

نظریه و پژوهش در ارتباط تنگاتنگی با هم قرار دارند و در واقع هیچ رشته علمی نمی‌تواند جز با ایجاد ارتباط میان این دو حوزه، باروری و پویایی داشته باشد. در مطالعه علمی روابط بین‌الملل در ایران نیز معمولاً به مبانی نظری توجه می‌شود. این را می‌توان در بسیاری از مقاله‌های علمی-پژوهشی منتشرشده در این حوزه دید؛ اما آنچه در بیش‌تر این مقاله‌ها در نگاهی گذرا مشهود است، در قالب آنچه در رابطه میان نظریه و پژوهش انتظار می‌رود، نمی‌گنجد (مشیرزاده و مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). بررسی مقالات منتشرشده در حوزه سیاست خارجی ایران نشان

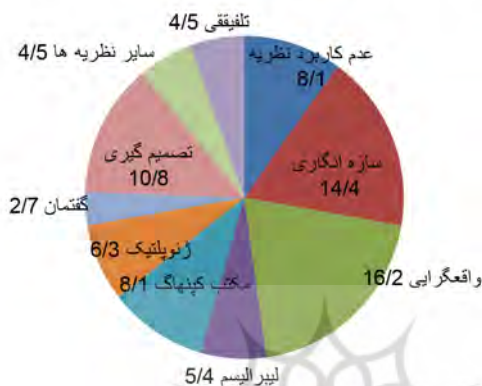


می‌دهد که از مجموع ۹۰ مقاله، ۹ مورد آن فاقد چارچوب نظری و ۸۱ مورد چارچوب نظری داشته است. در مقالاتی که چارچوب نظری داشته‌اند، فقط ۳ مورد به نقد نظریه پرداخته، ۲ مورد بسط نظریه بوده و ۷۶ مورد صرفاً نظریه را به کار بسته‌اند.

این امر نشان می‌دهد که محققان ایرانی برخلاف هم‌تایان خارجی خود خیلی علاقه‌ای به ابداع نظریه، نقد نظریات سایرین و یا بسط بخشیدن به یک نظریه ندارند. حتی به لحاظ کاربرد نظریه نیز توازن مشخصی دیده نمی‌شود. واقع‌گرایی با ۱۶/۲ درصد و سازه‌انگاری با ۱۴/۴ درصد پرکاربردترین نظریه‌های روابط بین‌الملل در تحلیل سیاست خارجی و مسایل منطقه خاورمیانه هستند. این درحالی است که بسیاری از نظریه‌های روابط بین‌الملل مورد استفاده، به صراحت خود را در حوزه سیاست خارجی تبیین-کننده نمی‌دانند (باقری دولت

آبادی و شفيعی، ۱۳۹۵: ۴۴؛ عطایی و رسولی، ۱۳۸۹: ۲۱۴). به عبارت ديگر، پژوهش گران به جای رفتن به سمت نظريه‌های تصميم‌گيري و يا روان‌شناسی ادراکی به سمت نظريه‌های روابط بين الملل سوق پيدا کرده اند.

کاربرد نظريه های روابط بين الملل در تحليل سياست خارجي ايران

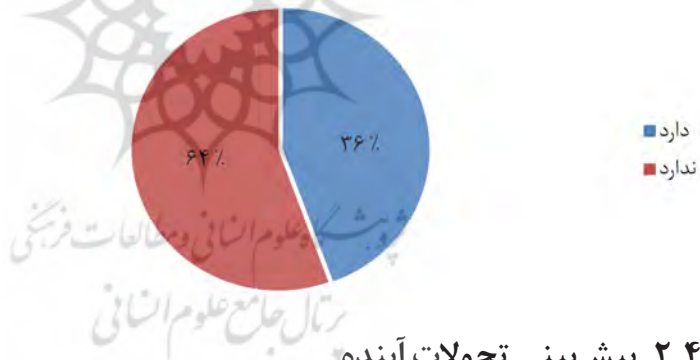


اين مسئله در پژوهش مشيرزاده و مسعودی (۱۳۸۹: ۱۷۷) نيز مورد اشاره قرار گرفته و از آن به‌عنوان يک نقطه ضعف ياد شده است. اگرچه ممکن است ميان اساتيد درخصوص اين که کدام نظريه بهتر قابليت توضيح سياست خارجي ايران را دارد، اجماع نظري وجود نداشته باشد و گروهی آن را به‌واسطه ايدئولوژيک بودن، با آرمان‌گرایی و گروهی به‌واسطه اعمال موازنه قدرت در سطح منطقه‌ای و يا پی‌گيري بازدارندگی در بحث نظامی، در جرگه واقع‌گرایی قرار دهند، اما نمی‌توان از اين مسئله چشم پوشيد که به‌واسطه ماهيت پويای سياست خارجي ايران، نظريه‌های خرد و ميانه که در اين جا کم‌تر به آن پرداخته شده، قابليت بهتری برای توضيح سياست خارجي کشورهای درحال توسعه همچون ايران دارند. با وجود اين، آنچه ضعف فوق را شدت بيش‌تری می‌بخشد اين است که در بسياری از اين آثار نظريه‌ها به‌خوبی به کار گرفته نشده‌اند و بين يافته‌های تجربی و رويکرد نظري ارتباط منطقی ديده نمی‌شود. حتی در برخی از اين آثار، چارچوب نظري از حد يک صفحه فراتر نرفته است. به عبارت ديگر، صرفاً کلياتی از نظريه طرح شده است و نه شاکله اصلی مباحث.

۲-۳. ارائه تجویز کاربردی

یکی از اهداف اصلی پژوهش در حوزه‌های مختلف علمی، دستیابی به یافته‌هایی است که بتواند گره‌گشای مشکلات پیش روی تصمیم‌گیرندگان باشد. بررسی مقالات نگارش‌یافته در خصوص سیاست خارجی ایران، نشان می‌دهد از مجموع ۹۰ مقاله تنها ۴۰ مورد آن دارای تجویز بوده است. این تجویزها یا آن قدر کلی هستند که قابلیت اجرایی پیدا نمی‌کنند، یا از بطن مقاله استخراج نشده و صرفاً دیدگاه‌های شخصی نویسنده بوده‌اند و یا آن که تکراری هستند و پیش‌تر بیان شده‌اند. در هر صورت، این بخش از مقالات که می‌بایست نخبگان اجرایی را مجذوب نخبگان فکری کند، با نشان دادن ضعف، آنان را از خود دور ساخته است؛ به گونه‌ای که ترجیح داده‌اند با برگزاری نشست‌هایی بین کارشناسان داخلی سازمان خود به نتیجه، کوتاه‌مدت و سریع دست پیدا کنند.

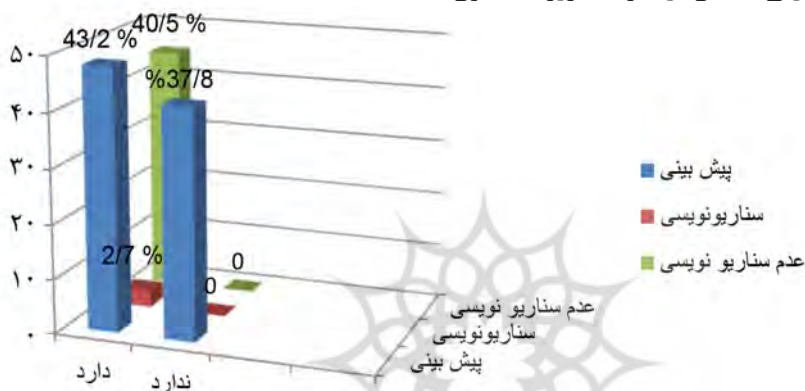
ارائه تجویز برای سیاست خارجی



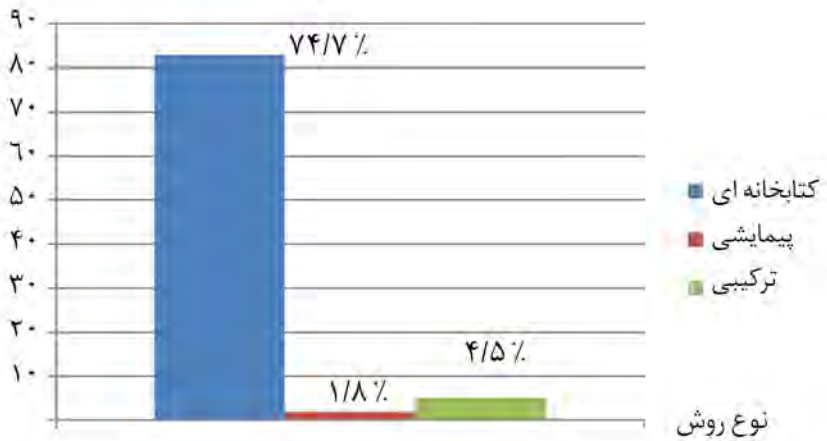
۲-۴. پیش‌بینی تحولات آینده

اگرچه بررسی مقالات منتشرشده در خصوص سیاست خارجی ایران، نشان از ارائه پیش‌بینی در ۴۸ مورد آن در برابر ۴۲ مورد باقی‌مانده دارد، اما باید گفت که از این تعداد تنها ۳ مقاله اقدام به پیش‌بینی بر اساس روش‌های علمی و سناریونویسی کرده‌اند و ۴۵ مقاله دیگر صرفاً کلی‌گویی‌هایی نسبت به آینده داشته‌اند. حال آن که در محافل علمی، این دست از پیش‌بینی‌ها چندان محلی از اعتبار ندارد. به عبارت دیگر، این مقالات به جای این که واقعیت‌های آینده را در قالب چهار گروه آینده محتمل و مطلوب، آینده محتمل و نامطلوب، آینده غیرمحتمل و مطلوب و آینده

غیرمحمتمل و نامطلوب جای دهند، عموماً آنچه را که محتمل و مطلوب می دانسته اند ذکر کرده و از بیان سایر گزینه ها امتناع ورزیده اند؛ حال آن که روند رخ داده های سیاسی نشان داده است، همیشه وقایع آن گونه که ما انتظار داریم پیش نمی روند و گاه ممکن است به هر دلیل خلاف پیش بینی ها رخ دهد. کما این که در انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا بسیاری از دولت ها از جمله ایران، از نتیجه انتخابات شوکه شدند و انتظار پیروزی ترامپ را نداشتند. این موضوع در تیترو روزنامه های هوادار دولت به خوبی نمایان بود (ر.ک: روزنامه شرق، ۱۹/۸/۱۳۹۵: ۱).



شاید یکی از دلایل ناتوانی مقالات فوق الذکر در ارائه پیش بینی صحیح از روند حوادث آینده را در نوع تحلیل و شیوه گردآوری داده های آن ها بتوان سراغ گرفت. این مقالات عموماً از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نموده و به شیوه گردآوری داده ها به شیوه کتابخانه ای روی آورده اند. همان گونه که آمارها نشان می دهند، تنها ۲ مورد روش گردآوری داده به صورت پیمایشی و ۵ مورد روش ترکیبی کتابخانه ای-پیمایشی را انتخاب کرده اند و ۸۳ مورد به روش کتابخانه ای اکتفا کرده اند. گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای اگرچه آسان تر، کم هزینه تر و سریع تر انجام می شود، اما امکان پیش بینی علمی آینده را دشوارتر، غیرمحمتمل تر و پرخطا تر می سازد.



۳. چالش‌های پیش روی کاربردی‌سازی پژوهش در روابط بین‌الملل

با توجه به مطالعه ۹۰ مقاله منتشرشده در حوزه سیاست خارجی ایران و نتایج آماری فوق می‌توان مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کاربردی‌سازی پژوهش در روابط بین‌الملل را به قرار زیر دانست:

۳-۱. توجه کم به آینده‌پژوهی در پژوهش‌ها

یافته‌های این مقاله و نیز برخی پژوهش‌گران دیگر (نظری، محروق و عباسی خوشکار، ۱۳۹۳: ۹-۱۰) نشان می‌دهد که محققان ایرانی در پژوهش‌های خود کم‌تر به سراغ آینده‌پژوهی می‌روند و هنگامی که دست به آینده‌پژوهی می‌زنند، این آینده‌پژوهی با رویکردهای تجویزی در هم تنیده می‌شود و تشخیص این دو از یکدیگر را دشوار می‌سازد. به‌عنوان مثال، درخصوص ملاحظات امنیتی ایران و مسئله گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات این‌گونه می‌خوانیم: «به نظر می‌رسد که با توجه به رشد فزاینده استفاده از اینترنت و حرکت شتابان دولت به سمت الکترونیکی کردن خدمات اجتماعی و اقتصادی و تأثیر انقلاب اطلاعاتی بر بهبود فناوری‌های نظامی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مهروموم‌های آتی با تهدیدات و چالش‌های نوینی مواجه خواهد شد» (نورمحمدی و طالبی آرانی، ۱۳۹۵: ۱۸۵). این دست پیش‌بینی‌ها اگرچه ممکن است تا حد زیادی درست باشد، اما مبتنی بر سناریوسازی نیست. یا در مقاله دیگری آمده است که «پیش‌بینی می‌شود عربستان با فرافکنی در آینده نزدیک، می‌کوشد موازنه

تهدید را جایگزین موازنه همه‌جانبه نماید» (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۵: ۱۰۸). این پیش‌بینی نیز در صورت درست از آب درآمدن، فقط حاصل حدس و گمانه و ذهنیت نویسنده است و نه روش آینده‌پژوهی و به‌کارگیری آن. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ۴۰/۵ درصد مقالات بررسی‌شده دارای پیش‌بینی مبتنی بر سناریونویسی نیست. این یافته، از سوی پژوهش‌گرانی همچون نظری، محروق و عباسی خوشکار (۱۳۹۳: ۳۴) نیز تأیید شده است. پژوهش آن‌ها نیز نشان می‌دهد که ۳۹ درصد مقاله‌ها، یعنی ۵۶ مقاله از ۱۴۲ مقاله، بدون آن‌که رویکرد آینده‌پژوهی داشته باشند، به صورت هر چند محدود، تصویری از آینده ارائه کرده‌اند. پژوهش دیگر انجام‌شده از سوی همین نویسندگان، نشان می‌دهد که ۷۵ مقاله از ۱۳۵ مقاله دارای بحث آینده‌نگری در قالب تقریبی یک پاراگراف بودند. ۶۰ مورد معادل ۴۴ درصد مقالاتی که فاقد بحث آینده‌نگری بودند، عموماً دارای تجویز سیاسی نیز نبودند (مشیرزاده، عباسی خوشکار و محروق، ۱۳۹۳: ۲۷). به عقیده نویسندگان فوق‌الذکر، بداعت و تازگی حوزه مطالعاتی آینده‌پژوهی، باورهای نادرست و انتظار غیرعلمی از آینده‌پژوهی و روش‌های مناسب کاربست آن، آشنایی اندک اساتید، دانشجویان و پژوهش‌گران روابط بین‌الملل با این حوزه مطالعاتی، زمان‌بر بودن و هزینه مالی انجام چنین پژوهش‌هایی و در نهایت عدم انباشت دانش حاصل از یافته‌های آینده‌پژوهی، عوامل احتمالی مؤثر در ضعف توجه به آینده‌پژوهی به‌طور عام و سناریونویسی به‌طور خاص است (نظری، محروق و عباسی خوشکار، ۱۳۹۳: ۹).

۳-۲. فقدان دسترسی به داده‌های پژوهشی

کاربردی‌سازی سیاست خارجی آن‌گاه میسر است که محققان نتایج پژوهش‌های قبلی را در اختیار داشته باشند و بتوانند به آسانی به اطلاعات مورد نیاز دست یابند. یکی از مشکلات جدی پژوهش در ایران عدم دسترسی به داده‌های تجربی موجود است. این داده‌ها که غالباً در دسته‌بندی‌هایی همچون محرمانه و فوق‌محرمانه قرار می‌گیرند، هیچگاه در دسترس پژوهش‌گر نیستند؛ به همین خاطر پژوهش‌گران یا به منابع تاریخی و کتابخانه‌ای روی می‌آورند و یا از داده‌های مقالات خارجی بهره می‌گیرند. در هر دو صورت، ارتباط محقق با امر واقع

قطع می شود و امکان پیش بینی بر اساس سناریونویسی از او سلب می گردد. این مشکل آن گاه محسوس تر خواهد بود که در نظر بگیریم در ایران در سال ۱۳۹۵ برای اولین بار اسناد تاریخی تا زمان جنگ جهانی دوم در اختیار پژوهش گران قرار گرفته است و اسناد پس از این تاریخ هم-چنان خارج از دسترس و در طبقه محرمانه قرار گرفته اند. بنابراین همان گونه که سید امامی (۱۳۸۹: ۱۵۴) نیز اشاره کرده است، دسترسی به داده ها و فراهم سازی زمینه برای مطالعات تجربی در ایران یکی از ضروریات پژوهش در علوم سیاسی و روابط بین الملل است.

۳-۳. قطع ارتباط دانشگاه با نهادهای اجرایی و عدم حمایت مالی

شکل گیری دانشگاه در ایران از همان ابتدا بر بنیانی اشتباه استوار شده است. دانشگاه های ایران در بهترین حالت فقط می توانند در رشته های علوم انسانی کارمند برای بخش های اداری تربیت نمایند و نه بیش تر. کما این که زمانی که مدرسه عالی علوم سیاسی در ایران تأسیس شد، میرزا حسن خان مشیرالدوله، رئیس مدرسه، در بیان فلسفه و هدف شکل گیری مدرسه گفت: «هدف مدرسه این است که از میان خانواده های نجیب و اصیل مملکت، شاگرد بپذیرد و آن ها را برای آینده ایران به عنوان دیپلمات های عالم وطن پرست تربیت کند تا آن که مأموران وزارت امور خارجه لیاقت هم دوشی با سایر دیپلمات های دنیا را داشته باشند» (تفرشی، ۱۳۷۰: ۵۳). بین آنچه در دانشگاه تدریس می شود و نیازهای جامعه، فاصله ای عمیق وجود دارد (ر.ک: قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۸۵-۲۱۵) و نهادهای اجرایی نیز تلاشی برای پر کردن این فاصله از خود نشان نمی دهند. این نهادها با راه اندازی مراکز فکری و مطالعاتی خاص خود در قالب پژوهشکده های مختلف، تلاش کرده اند بخشی از خوراک فکری خود را خود تأمین کنند. این پژوهش ها که فقط از مجاری خاصی و با ارتباطات ویژه و شخصی انجام می شوند، نهادهای اجرایی را از دانشگاه مستقل ساخته و به شکل گیری رانت پژوهشی در کشور دامن زده اند. این نکته ای است که تقریباً بر سر آن اجماع وجود دارد و هم به صورت غیررسمی در گفتگوهای دوستانه اساتید و پژوهش گران با یکدیگر شنیده می شود و هم گاه به صورت گلابه در برخی مقالات دیده می شود. نتیجه امر این خواهد شد که همان گونه که در بالا توضیح دادیم، تنها ۳۶ درصد کل مقالات دارای تجویز باشد و از این تعداد فقط ۲/۷

درصد مبتنی بر سناریونویسی باشند؛ چراکه اساتید و دانشجویان خود را متعهد به کاربردی‌سازی نمی‌دانند و برای آن از مرجعی درخواستی نداشته‌اند. تعداد اندک مقالات نگارش‌یافته با پشتیبانی مالی نهادهای مختلف در قالب طرح و پروژه که در دوره زمانی بررسی شده از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند، گویای این ضعف جدی است. به عبارت دیگر، همان‌گونه که پژوهش‌های دیگر نیز نشان می‌دهند کاربردی‌سازی علم سیاست در ایران نیازمند تعامل دانشگاه و دستگاه سیاست است (ر.ک: اسلامی، ۱۳۸۸: ۷۷۱-۷۸۸؛ خلیلی، ۱۳۸۸: ۶۲۶-۵۸۵).

۳-۴. نگاه ابزاری به پژوهش در ایران

در همه جای دنیا، پژوهش گامی برای بهتر شدن شرایط زندگی انسان و رفع مجهولات در جهان پیش رو است. دانشگاه می‌کوشد تا با پژوهش‌های اساتید خود شرایط بهتری را برای شهروندان جامعه رقم زند، اما در ایران و در رشته‌های علوم انسانی به‌ویژه روابط بین‌الملل شرایط قدری متفاوت است. در این جا هدف از نگارش برخی مقالات صرفاً ارتقای درجه علمی و یا انجام تکلیف پژوهشی سالیانه استاد و دانشجو است. به همین خاطر، شاهد آثار پژوهشی با موضوع تکراری و حتی گاه خارج از تخصص علمی و دانشگاهی استاد مربوطه هستیم. به‌عنوان نمونه، کافی است موضوع «روابط ایران و عربستان» را در موتورهای جستجوگر مقالات علمی و یا مجلات علمی پژوهشی ۲ سال گذشته جستجو و یافته‌ها را با تأمل مطالعه کنید. درحقیقت، پژوهش‌های ایرانی نه تنها کاربردی نیستند، بلکه حتی مسئله‌محور نیز نیستند و صرفاً جنبه ابزاری دارند. ابزاری الزامی برای دفاع از رساله دکتری و کارشناسی ارشد که چاپ آن بخشی از نمره و یا فرایند فارغ‌التحصیلی است. ابزاری برای تبدیل شدن به نخبه دانشجویی و بهره‌مندی از امتیازات و تسهیلات سربازی، ابزاری برای عقب‌نماندن از سایر دانشگاه‌ها در امتیازبندی بر حسب مقالات علمی چاپ‌شده توسط اساتید آن‌ها و... این نگاه ابزاری موجب گردیده تا پژوهش‌گران به سراغ موضوعاتی در پژوهش بروند که شانس بیش‌تری برای چاپ شدن دارند و نه کاربرد بیش‌تری برای جامعه. طبیعی است که وقتی ۴۲/۶۰ درصد فصلنامه‌ها به موضوعات بین‌المللی اختصاص یافته است و چاپ مقاله در این حوزه هیچ حساسیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و...

را برنمی‌انگیزد، ۷۰/۳۰ درصد مقالات به سمت موضوعات روابط بین‌الملل سوق پیدا کند. این وضعیت زمانی برای آینده دانشگاه در ایران فاجعه‌بارتر خواهد بود که شاهد آن باشیم که اساتید رشته‌های اندیشه‌های سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی و... به‌جای پرداختن به موضوعات داخلی به این سو سوق پیدا کنند.

۳-۵. ناکارآمدی نظام آموزشی در ایران

نظام آموزش عالی در ایران به‌خصوص در حوزه علوم انسانی، به دلیل مقررات سنتی حاکم بر آن و نادیده گرفتن نیازمندی‌های جهان معاصر، با مشکلات فراوانی روبه‌رو است. قسمت قابل توجهی از نظام آموزش عالی در حوزه علوم انسانی، قدیمی، ناکارآمد و ناتوان از تبیین، توصیف و پیش‌بینی و آینده‌پژوهی پدیده‌های اجتماعی است و با نیازهای جامعه‌ای که پیوسته در حال تغییر و تحول و دگرگونی است، هم‌خوانی ندارد. بر این اساس، نیاز به تغییر در این بخش‌ها غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد (مقصودی و حیدری، ۱۳۸۹: ۱۹۱). یکی از آسیب‌شناسی‌های صورت‌گرفته در این باره، پژوهش مقصودی و حیدری درخصوص سرفصل‌های درس سیاست خارجی در ایران است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد سرفصل‌های درس سیاست خارجی در ایران نیاز به اصلاح دارد و با گذر زمان کارایی خود را از دست داده است (مقصودی و حیدری، ۱۳۸۹: ۲۱۹). طبیعی است وقتی محتوای آموزشی دروس قدیمی، غیرتوسعه‌ای و سلیقه‌ای باشد، وقتی بحث‌های نظری بر بحث‌های عملی و کاربردی در کلاس‌های درس اولویت دارد، وقتی کیفیت برنامه‌های آموزشی مطلوب نیست و در مدت‌زمانی کوتاه دانشجویان باید درس سیاست خارجی را با موفقیت بگذرانند و وقتی دانشجو در فرایند تصمیم‌گیری‌های آموزشی دخیل نیست و هیچ ارتباطی نیز بین او و نهاد اجرایی شکل نمی‌گیرد، خروجی پژوهش‌های وی در آینده نیز کاربردی نباشد. نکته‌ای که در بالا درخصوص روش گردآوری داده‌ها بیان شد، دقیقاً برخاسته از همین مشکل است. وقتی دانشجویان روابط بین‌الملل درسی به نام آینده‌پژوهی ندارند، وقتی واحدی را تحت عنوان آمار و کار با نرم‌افزارهای پردازش داده‌ها نمی‌گذرانند، ترجیح می‌دهند در پژوهش‌های خود بیش‌تر به سراغ منابع کتابخانه‌ای بروند تا داده‌های عینی و پیش‌بینی کنند اما نه بر اساس سناریوها، بلکه بر اساس مطلوب‌ها و ذهنیت‌های خود. به همین خاطر،

برخی پژوهش‌گران کاربردی شدن علم سیاست در ایران را مستلزم این می‌دانند که مواد درسی تغییر کرده و درس‌هایی با گرایش عملیاتی، مانند اقتصاد، مدیریت، امنیت، سیاست‌گذاری و نظام انتخاباتی در مواد درسی گنجانده شود (خلیلی، ۱۳۸۸: ۶۲۶-۵۸۵)، نیازهای بومی و محلی در دروس دیده شود (سینایی، ۱۳۸۸: ۷۲۲-۷۰۹)، نظام آموزشی از حالت تمرکزگرا خارج و محتوای درسی از حالت کلی و مبهم خارج شوند (امامزاده فرد، ۱۳۸۸: ۲۳-۱۰)، بر سر مفهوم علم سیاست اجماع صورت پذیرد و برداشت‌های مستقل از سیاست شکل بگیرد (ابراهیمی فر، ۱۳۸۸: ۲۴۴-۲۱۹)، برداشت‌هایی که متأثر از ملاحظات سیاسی-اجتماعی و یا جناحی نباشد (مصفا، ۱۳۸۸: ۲۶۶-۲۴۵)، از دخالت‌های قدرت سیاسی به دور باشد (زیباکلام و آیت‌اللهی، ۱۳۹۲: ۱۳-۱) و درگیر رویکردهای ایدئولوژیک نگردد (نقیب زاده، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳، عنایت، ۱۳۷۲: ۳۲-۲۰).

۳-۶. ضعف نسبی در حوزه دانش نظری

همان‌گونه که در بالا نیز توضیح داده شد، تکیه بیش از حد پژوهش‌گران بر یک یا دو نظریه، عملاً قدرت مانور و خلاقیت را از آنان سلب کرده است. پژوهش‌گران ایرانی بیش‌تر به سراغ نظریاتی می‌روند که در توضیح مسایل سهل‌الوصول‌ترین و نه نظریه‌هایی که پیچیدگی بیش‌تری دارند. به همین خاطر، مشکلات جدی در فهم و برقراری عملی رابطه میان نظریه و پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه سیاست خارجی ایران مشاهده می‌شود. در حقیقت، همان‌گونه که مشیرزاده و مسعودی (۱۳۸۹: ۱۶۴) نیز تأیید کرده‌اند: «نه پژوهش به شکل مستقیم متکی بر گزاره‌ها و فرضیه‌های نظریه است و نه در جهت تکمیل نظریه گامی برداشته می‌شود، نه تعیین شرایط صدق و کذب نظریه‌ها مد نظر است، نه به محک زدن نظریه یا گزاره‌های خاصی در آن توجه می‌شود و نه توجهی به نظریه‌پردازی زمینه‌مند (نیل به نظریه از طریق مطالعه تجربی) وجود دارد». به عبارت دیگر، پژوهش‌های صورت‌گرفته تنها کاربردی نیستند، بلکه ویژگی‌های علمی لازم را نیز ندارند. خاصیت اصلی نظریه این است که داده‌های پراکنده ذهن نویسنده را انسجام می‌بخشد، قدرت تحلیل او را بیش‌تر می‌سازد و امکان پیش‌بینی رخدادها را برایش فراهم می‌سازد. اگر پژوهشی دارای نظریه است، اما قدرت پیش‌بینی و ارایه تجویز به خواننده را ندارد، مشکل

در عدم به-کارگیری صحیح یا عدم انتخاب نظریه مناسب است و نه خود نظریه. شاید به همین دلیل است که عامل اصلی ضعف نسبی نظری در میان دانشجویان رشته روابط بین‌الملل، نه بی‌علاقگی یا نگرش منفی آن‌ها به نظریه، بلکه در کمیت واحدها و کیفیت تدریس این دروس در برخی ابعاد و همچنین کمیت و کیفیت منابع تدریس شده است (مشیرزاده و مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

۳-۷. عدم نقد در پژوهش‌ها

اگر علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران با این اتهام روبه‌روست که با عمل فاصله بسیار دارد، به مسایل عینی جامعه نمی‌پردازد، بومی نشده و در یک کلام جایگاه مناسب خود را نیافته است، شاید بخشی از این اتهام متوجه پژوهش در علوم سیاسی باشد. به نظر می‌رسد یکی از عوامل عمده ضعف پژوهش در علوم سیاسی در کشورمان عدم توجه جدی به امر «نقد» است (تقوی و ادیبی، ۱۳۸۹: ۱۰). همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، تنها ۲/۷ درصد مقالات به نقد نظریه در ایران پرداخته‌اند. این ضعف نقد در حوزه محتوایی نیز مشاهده می‌شود. آمارها نشان می‌دهند که ۸/۲ درصد عناوین و ۴/۵ درصد حجم مطالب منتشرشده در مجله‌های پژوهشی علوم سیاسی، به مطالب انتقادی اختصاص دارند که از ارقام مشابه در مجله‌های رشته ادبیات اندکی مطلوب‌تر است، اما ضعف سنت نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران را آشکار می‌سازد. به‌علاوه بررسی گونه‌های مختلف نقد در مجله‌های پژوهشی علوم سیاسی نشان می‌دهد که ۹۱ درصد تعداد و ۸۴ درصد حجم مطالب انتقادی، «نقد کتاب» بوده‌اند. ارقام مشابه در رشته ادبیات، مشخص می‌کند که مجله‌های این رشته بیش از مجله‌های علوم سیاسی به سایر گونه‌های نقد توجه می‌کنند (تقوی و ادیبی، ۱۳۸۹: ۸). این نکته فقط به بعد پژوهش محدود نمی‌شود و با بعد نظری نیز ارتباط دارد. همان‌گونه که ازغندی نیز توضیح می‌دهد، مشکل علم سیاست در ایران فقدان نگرش‌های انتقادی است. فقدان نگرش انتقادی به معنی نداشتن مسئولیت در برابر اجتماع و قدرت سیاست است (ازغندی، ۱۳۸۲: ۴۵-۱۰). نبود سنت نقد در پژوهش‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل موجب گردیده تا هیچ‌گاه سیاست‌های به‌کار بسته‌شده در حوزه سیاست خارجی مورد ارزیابی علمی قرار نگیرد و ضعف‌های آن پوشیده بماند. این ضعف‌های پنهان تنها در صورت شکست است که خود را نشان

می‌دهند و بهای چنین شکست‌های احتمالی نیز سنگین خواهد بود. حال آن‌که پژوهش‌های علمی می‌تواند در این مسیر بسیار راه‌گشا باشد.

۳-۸. عدم توجه به اولویت‌های پژوهشی

با وجود این که گاه بروشورهایی از سوی وزارت امور خارجه و یا برخی نهادها در میان دانشگاهیان توزیع می‌شود که نیازهای پژوهشی این ارگان‌ها را منعکس می‌سازد، با این حال و همان‌گونه که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، دانشگاهیان ترجیح می‌دهند به علایق مورد توجه خود و یا آنچه که نتایج محسوس و ملموس‌تری برای آن‌ها دارد، بپردازند. این امر موجب می‌شود مسایل مورد بررسی این پژوهش‌ها دقیقاً مسئله کشور نباشد. همان‌طور که یافته‌های احمدی، رسول‌زاده و محمدی‌فر (۱۳۹۱: ۳۲) نیز نشان می‌دهد، پژوهش‌ها باید در مسئله‌یابی و اولویت‌بندی پژوهشی، متناسب با نیازهای ضروری سازمان‌های مختلف جهت داده شوند، به گونه‌ای که توجه عمده آن‌ها معطوف به دغدغه‌ها و مشکلات فعلی کشور باشد و نه چیز دیگری.

۳-۹. کلی‌گویی در اظهارنظرها

مشکل جدی مقالات پژوهشی در ایران، عدم پرداختن به جزئیات به صورت دقیق و بیان پیشنهادات کلی است. مشابه این شرایط در بسیاری از مقالات بررسی شده درخصوص سیاست خارجی ایران وجود داشت. به‌عنوان مثال، در این جمله که «مؤلفه‌های فرهنگی در واقع پیشرو و موتور محرکه نفوذ کشورها در عرصه بین‌المللی و ایجاد وابستگی هستند و نیل بدان، تلاش بسیار برنامه‌ریزان سیاست‌های کلان ملی را می‌طلبد» (اعظمی، زرقانی و سلطانی، ۱۳۹۵: ۸۸)، نویسنده به‌جای بیان مؤلفه‌های فرهنگی، تلاش برنامه‌ریزان را مطالبه می‌نماید و یا در این جمله که «مسئولان و مقامات ایران با وقوف و آگاهی نسبت به این امر [نقش مراجع تقلید و علمای دینی کشور عراق در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران] باید اقدام مناسبی جهت حفظ و نگهداری چنین دیدگاه مثبت و افزایش روابط بین مقامات، علما و روحانیون دو کشور انجام دهند» (نیک‌روش و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۳۲)، مشخص نیست این اقدامات مناسب چیست‌اند و بیش از

حد کلی گویی شده است.

۳-۱۰. مبهم بودن پیشنهادات و راهکارها

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که با وجود تلاش صورت‌گرفته از سوی نویسندگان برای ارائه پیشنهاد در آثار پژوهشی، اما این پیشنهادات گاه مبهم هستند و قابلیت کاربردی شدن را ندارند. به‌عنوان مثال، در تشریح گفتمان‌های سیاست خارجی ایران و گفتمان اعتدال در پیش‌برد مذاکرات هسته‌ای، این‌گونه می‌خوانیم: «با توجه به پیامدها و دستاوردهای گفتمان حاکم و در نتیجه دیپلماسی برآمده از آن، آنچه را که باید به‌عنوان الگوی یک سیاست خارجی مطلوب و در پی آن، دیپلماسی مدنظر قرارداد، تلفیق منطقی دو گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است» (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۱۱۵). درواقع، مشخص نیست چگونه دستگاه سیاست خارجی باید بین این دو گفتمان تلفیق ایجاد کند و راه‌حل‌ها چیست‌اند؟ و یا این جمله: «استفاده نکردن از همه مؤلفه‌های قدرت نرم و ابزارها و امکانات، مانع عمده کارایی دیپلماسی ایران است. ترک‌ها عمدتاً از ابزارهای قدرت نرم برای اهداف سخت استفاده می‌کنند و ایران از ابزارهای سخت برای اهداف نرم استفاده می‌کند» (عنایتی، اطهری و حاجی‌مینه، ۱۳۹۴: ۹۰). نویسنده معلوم نمی‌کند دستگاه دیپلماسی دقیقاً کدام مؤلفه‌های قدرت نرم را استفاده نکرده و لازم است به آن بپردازد و یا امکانات و ابزارهای دیگر در دست او کدام‌ها هستند؟ هم‌چنین جمله دوم نیز مبهم است و مشخص نیست ابزارهای سخت و اهداف نرم چه هستند و در کجا چنین استفاده نابه‌جایی انجام شده است.

۳-۱۱. ساده‌سازی و ارائه راهکارهای پیش پا افتاده

مشکل دیگر پژوهش‌های سیاست خارجی ایران که آن را غیرکاربردی می‌سازد، ارائه پیشنهادات مبتنی بر ساده‌سازی مسایل و یا ارائه راهکارهای پیش پا افتاده و تکراری است. نمونه‌ای از موارد فراوان آن را در این مثال‌ها می‌توان یافت: «ظهور ابزارها و شیوه‌های جدید ارتباطی، پراکندگی منابع قدرت و راهبرد دشمنان نظام برای بهره‌گیری از جنگ نرم به‌منظور تضعیف و مهار جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند که دستگاه‌های سیاست‌گذار امنیتی و اطلاعاتی، بر اساس بافت

و شرایط جدید جامعه استراتژی‌های امنیتی خود را تدوین کنند» (نورمحمدی و طالبی آرانی، ۱۳۹۵: ۱۸۴). مشخص نیست این استراتژی امنیتی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ یا در نتیجه‌گیری مقاله دیگری این گونه می‌خوانیم: «با توجه به اهمیت موضوع [بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا]، دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز باید به مسئله حساس بوده، آن را با دقت پی‌گیری کند» (کوهکن و محمدی نسب، ۱۳۹۵: ۱۸۳). به طور طبیعی، وزارت امور خارجه موضوعات بین‌المللی را با دقت پی‌گیری می‌کند؛ بدین ترتیب، این پیشنهاد صرفاً راهکاری پیش‌پا افتاده و تکراری است. در مقاله سوم، نویسندگان این طور نتیجه می‌گیرند که «سرنگونی دولت بشار اسد و دولت شیعی عراق موجب تضعیف محور مقاومت و گفتمان شیعه، انزوای جمهوری اسلامی ایران، از دست رفتن جبهه سوریه و عدم دست‌رسی ایران به حزب‌الله و حماس، برتری یافتن عربستان و دولت‌های معاند ایران در منطقه و نهایتاً کاهش ضریب امنیتی ایران می‌شود» (آدمی و کشاورز، ۱۳۹۴: ۱۷). به نظر نمی‌رسد این نتیجه‌گیری، یافته جدیدی را در اختیار خواننده قرار دهد که خود از آن مطلع نباشد. هم‌چنین در مقاله آخر، نویسنده در بحث همکاری با چین، انرژی را ابزار توسعه همکاری‌ها بین دو کشور می‌خواند؛ امری که باز به صورت طبیعی در جریان است و نیاز به اقدام خاصی از سوی وزارت امور خارجه ندارد: «با توجه به این مطلب که در نگاه تصمیم‌سازان سیاست خارجی ایران، ناخشنودی قدرت‌هایی همچون چین از نظام تک‌قطبی و هژمونی آمریکا، ظرفیت و امکان لازم را برای تحقق این هدف، یعنی دکنترین نگاه به شرق، فراهم می‌سازد، بنابراین چین به نظر می‌رسد که انرژی از جمله ابزارها و بسترهای مناسب در جهت توسعه همکاری‌های راهبردی دو کشور در این عرصه تلقی شود» (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

۱۲-۳. تلاش برای فهم سیاست خارجی ایران و نه گره‌گشایی از

مشکلات آن

بخش عمده‌ای از موضوعاتی که برای پژوهش در ایران انتخاب می‌شوند، معطوف به توضیح و تشریح سیاست خارجی آن هستند تا گره‌گشایی از مشکلات آن. این موضوعات و پرداختن به آن برای سایر دولت‌هایی که با ایران تعامل دارند،

بیش‌تر مفید است تا برای خود ایران. به همین خاطر، عملاً تألیف چنین آثار پژوهشی نمی‌تواند هیچ کمکی به سیاست خارجی ایران کند و صرفاً می‌تواند کارکرد توسعه علم داشته باشد. به عنوان نمونه، برخی از این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: «رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه پس از ۲۰۱۱» (دهشیری و عبدالله خانی، ۱۳۹۴: ۷۵-۵۵)، «روابط جمهوری اسلامی ایران با جنبش‌های مقاومت اسلامی فلسطین» (سادات، ۱۳۹۴: ۱۰۶-۷۷) و «تأثیر دیدگاه‌های امام خمینی بر فرهنگ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران» (طارمی، ۱۳۹۵: ۹۵۷-۹۳۵).

۱۳-۳. سازنده نبودن پیش‌بینی‌ها و راهکارها

یکی دیگر از مشکلات پژوهش‌های سیاست خارجی ایران، سازنده نبودن پیشنهادات و پیش‌بینی‌های آن‌هاست. نمونه‌ای از نتیجه‌گیری‌های این پژوهش‌ها به قرار زیر است: «شناخت نقاط قوت و فرصت‌ها در تنگه‌هرمز در ارتباط با امنیت ملی کشور، می‌تواند شرایط لازم را برای بهره‌برداری مناسب از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی این تنگه فراهم کند» (عباسی، نجات و طالبی، ۱۳۹۴: ۷۶). معلوم نیست این نقاط قوت و فرصت‌ها چیست‌اند و کی و کجا باید به آن پرداخته شود. یا در مقاله دیگری آمده است: «در شرایط فعلی، به نظر می‌رسد که با تشکیل دولت جدید که خاستگاه نسبی نظامی دارد و نیز ناتوانی نیروهای اسلام‌گرا و لیبرال برای نقش‌آفرینی مؤثر، مصر تا سال‌ها در سکوتی از جنس سال‌های مبارک فروخواهد رفت» (امام جمعه زاده و حشمتی، ۱۳۹۳: ۱۴۴). یافته این پژوهش هیچ پیشنهاد سازنده‌ای به خواننده عرضه نمی‌کند که در این دوران سکوت چه اقداماتی باید در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گیرد. در مقاله آخر نیز که به عنوان نمونه انتخاب شده، نوعی فرار به جلو وجود دارد و نویسندگان خوانندگان را دعوت به صبر در برابر تحولات ترکیه می‌کنند. حال آن‌که وظیفه وزارت امور خارجه واکنش نشان دادن به تحولات جاری است و نمی‌تواند در بسیاری از موارد منتظر بماند: «با توجه به این که در زمان نگارش این مقاله، حوادث پساکودتا در ترکیه هم‌چنان در حال تکوین است، بایستی منتظر روزهای آینده در این کشور و فرجام سامان سیاسی در آن ماند» (اسماعیلی، زارع زاده و فلاح، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

نتیجه‌گیری

باتوجه به این‌که در پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره سیاست خارجی ایران، از نظریه‌ها و روش‌های گردآوری داده مناسب استفاده نمی‌شود، اولین پیشنهاد این مقاله، اصلاح شیوه تدریس دروس نظریه‌ها و روش تحقیق در دانشگاه‌های کشور است تا دانشجویان با روش‌های مبتنی بر پیش‌بینی تحولات آینده و تکنیک‌های علمی مناسب آشنا تر شوند. نکته دوم، پرداختن فصلنامه‌های علمی-پژوهشی به موضوعات در نظر گرفته شده به‌عنوان هدف و رسالت آن فصلنامه است. عدم انتشار مقالات غیرمرتبط در فصلنامه، اولاً فضا را برای انتشار سایر مقالات باز می‌کند و ثانیاً اساتید و دانشجویان را به سوی موضوعات مشخص و روشن سوق می‌دهد. نکته سوم، به داوری مقالات برای انتشار بازمی‌گردد. در حال حاضر، در ارزیابی مقالات برای انتشار، امتیازی برای کاربردی بودن پیشنهادات و یا داشتن پیش‌بینی تحولات آینده در نظر گرفته نشده است. در نظر گرفتن این ملاک می‌تواند اساتید و دانشجویان را تاحدی به این سمت سوق دهد. کما این‌که در گذشته پرداختن به پیشینه پژوهش در مقالات متداول نبود، ولی در حال حاضر به امری رایج و فراگیر در پژوهش‌های علوم سیاسی تبدیل شده است. نکته چهارم، ضعف نقد در پژوهش‌های سیاست خارجی است. لازم است ضمن توجه بیش‌تر به سنت نقد در شیوه آموزش روابط بین‌الملل در ایران، فضا برای نقد سیاست خارجی ایران در محافل علمی و فصلنامه‌ها فراهم شود. ظهور فصلنامه‌هایی که بتواند امکان مناظرات علمی و نقدهای نظری و کاربردی را فراهم سازد، می‌تواند تا حدی این خلأ را برطرف کند. نکته پنجم، حمایت لازم از پژوهش‌های کاربردی و اعتماد به پژوهش‌گران است. لازم است ارتباط بین نهادهای دانشگاهی و اجرایی سازنده‌تر شود و از ارتباطات شخصی در اختصاص پژوهش‌ها به پژوهش‌گران اجتناب گردد. اعلام نیاز پژوهش‌های مورد تقاضای نهادها به مراکز علمی و استقبال از بهترین ایده‌ها، می‌تواند فرصت‌های بی‌ظنیری برای حل مشکلات پیش‌رو فراهم سازد. نکته ششم، فراهم‌سازی امکان دسترسی پژوهش‌گران به داده‌ها و آمار مورد نیاز برای پژوهش است. به هر میزان که آمارها پنهان نگه داشته شوند و یا داده‌ها محرمانه تلقی شوند، امکان پژوهش‌های کاربردی و عینی بیش‌تر سلب خواهد شد. نکته هفتم، کنار گذاشتن نگاه ابزاری به پژوهش است. باید بپذیریم که لزوماً همه افراد دارای مدرک دکتری، پژوهش‌گران قابل‌نخواهند شد. برخی از آن‌ها ممکن است اساتید آموزشی

خوبی باشند و بتوانند دانشجویان خوبی تربیت کنند. پس نباید با الزامات قانونی و مقررات مربوط به ارتقاء علمی و... این اساتید را به سوی پژوهش‌هایی که ممکن است تکراری، غیرسازنده، خارج از تخصص آن‌ها و غیرکاربردی باشند، سوق دهیم. برای یک پژوهش ماندگار، گاه ۱۰ سال زمان لازم است. این که انتظار داشته باشیم همه اساتید سالی چند پژوهش داشته باشند، آمارها را افزایش خواهد داد، اما مشکلی را حل نخواهد کرد. نکته آخر این که لازم است پژوهش‌گران سیاست خارجی در نگارش مقالات خود به مواردی همچون پرهیز از کلی‌گویی، ارائه دقیق پیشنهادات با جزئیات، رفتن به سمت موضوعات کاربردی به جای تفسیری، پرهیز از ساده‌سازی مسایل و ارائه ایده‌های نو و خلاقانه توجه بیش‌تری داشته باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی فر، طاهره. (۱۳۸۸). *انگاره‌های مطالعه سیاست و بررسی مبانی نظری علوم سیاسی، در بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، به اهتمام حسین سلیمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، صص ۲۴۴-۲۱۹.*
- احمدی، محمد؛ رسول زاده اقدم، صمد؛ محمدی فر، یوسف. (۱۳۹۱). *موانع و راهکارهای کاربست یافته‌های تحقیقاتی علوم انسانی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۳۴-۱۷.*
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۲). *علم سیاست در ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.*
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۴). *پوزیتویسم شناخت مسلط بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۴۲-۱۱۹.*
- اسلامی، مسعود. (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی زیرساخت‌ها، نقد روش‌ها و تحلیل محتوا در آموزش و پژوهش رشته روابط بین‌الملل در ایران، در بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، به اهتمام حسین سلیمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، صص ۷۷۱-۷۸۸.*
- اسماعیلی، بشیر؛ زارع زاده، محمد؛ فلاح، محمد. (۱۳۹۵). *افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۷، صص ۲۰۲-۱۷۵.*
- اعظمی، هادی؛ زرقانی، سید هادی؛ سلطانی، محسن. (۱۳۹۵). *سطح‌بندی متغیرهای فرهنگی-توریستی موثر بر افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی جمهوری خودمختار نخجوان به ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۹۲-۶۷.*
- امام جمعه زاده، سید جواد؛ حشمتی، امیر. (۱۳۹۳). *دولت-ملت ناکام در مصر، فصلنامه رهپافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال پنجم، شماره ۳۷، صص ۱۴۷-۱۱۹.*

امامزاده فرد، پرویز. (۱۳۸۷). وضعیت علوم سیاسی در ایران معاصر: نسبت علوم سیاسی در کشور با علوم انسانی در غرب، رشته علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران و آمریکا، در مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی، به اهتمام مظفر نامدار، جلد ۸، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

آدمی، علی؛ کشاورز مقدم، الهام. (۱۳۹۴). جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۹-۱.

باقری دولت آبادی، علی؛ شفيعی، محسن. (۱۳۹۵). از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست خارجی ایران، چاپ دوم، تهران: تيسا.

بزرگمهری، مجید. (۱۳۸۷). کاربردی سازی علوم سیاسی بر اساس نیازهای عینی بازار کار، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۳، صص ۶۸-۴۷. تفرشی، مجید. (۱۳۷۰). مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی در ایران از ابتدا تا تاسیس دانشگاه تهران، گنجینه اسناد، شماره ۱، صص ۸۱-۵۳.

تقوی، سید محمد علی؛ ادیبی، مهسا. (۱۳۸۹). ضعف سنت نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۲۷-۷.

جعفری، علی اکبر؛ جانباز، دیان. (۱۳۹۵). تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته ای، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۲۰-۹۳.

حاجی یوسفی، امیر محمد. (۱۳۸۱). نظریه والتز و سیاست خارجی ایران: مطالعه مقایسه‌ای دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد، مجله سیاست خارجی، دوره ۱۶، شماره ۴، صص ۱۰۳۰-۱۰۰۵.

دفترچه کنکور کارشناسی ارشد علوم سیاسی. (۱۳۹۵). سازمان سنجش آموزش کشور، قابل دسترس در: <http://www.sanjesh.org>

دهشیری، محمدرضا؛ عبدالله خانی، علی. (۱۳۹۴). رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه پس از ۲۰۱۱: مطالعه موردی بحرین و سوریه، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۷۵-۵۵.

روزنامه شرق (۱۳۹۵/۸/۱۹)، پس از اوپاما، شماره ۲۷۲۵، تاریخ دریافت
مطلب ۱۳۹۵/۱۱/۱۶، قابل دسترس در:

http://www.sharghdaily.ir/Default.aspx?NPN_Id=1154

زیباکلام، صادق، آیت اللهی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). **علوم انسانی اسلامی: امکان یا امتناع**، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

سادات، سید احمد. (۱۳۹۴). **روابط جمهوری اسلامی ایران با جنبش های مقاومت اسلامی فلسطین (با تاکید بر جنبش جهاد اسلامی)**، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۰۶-۷۷.

سلیمی، حسین. (۱۳۸۸). **بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.

سید امامی، کاووس. (۱۳۸۷). **پارادوکس های آموزش روش شناسی علم سیاست در ایران: برخی راهکارهای عمل گرایانه، دانش سیاسی**، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۵۲-۱۲۳.

سید امامی، کاووس. (۱۳۸۹). **جای خالی پژوهش های تجربی در علوم سیاسی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۶۲-۱۴۳.

سیفی، عبدالمجید؛ پورحسن، ناصر. (۱۳۹۵). **موازنه همه جانبه و ائتلاف سازی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۶، صص ۱۱۰-۸۵.

سینایی، وحید. (۱۳۸۸). **دانش آموختگان علم سیاست و قوه مقننه در ایران: پیش نیازهای ایجاد تعامل، در بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران**، به اهتمام حسین سلیمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، صص ۷۲۷-۷۰۹.

صادقی، سید شمس الدین. (۱۳۹۴). **امنیت انرژی چین و ژئواکونومیک انرژی ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۲، صص ۱۲۳-۸۵.

طارمی، کامران. (۱۳۹۵). **تأثیر دیدگاه های امام خمینی بر فرهنگ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست**، دوره ۴۶، شماره ۴، صص ۹۵۷-۹۳۵.

- عباسی، ابراهیم؛ نجات، سید علی؛ طالبی، صغری. (۱۳۹۴). *الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست*، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۸۰-۵۹.
- عبدالله پور چناری، محمد. (۱۳۹۴). *بررسی موانع کاربردی سازی علم سیاست از دیدگاه مدیران اجرایی استان کرمان، پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۱۶۶-۱۱۹.
- عطایی، فرهاد؛ رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۸۹). *بررسی نقش و جایگاه سیاست خارجی در نظریه های روابط بین الملل، فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۳، صص ۲۲۶-۲۰۹.
- عنایتی شبکلائی، علی؛ اطهری، سید اسدالله؛ حاجی مینه، رحمت. (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی دیپلماسی ایران و ترکیه در عراق و سوریه، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۷۳-۹۳.
- قاسمی، حاکم. (۱۳۸۸). *تأثیر انقلاب اسلامی بر آموزش و پژوهش در علوم سیاسی، در بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران*، به اهتمام حسین سلیمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، صص ۲۱۸-۱۸۵.
- کوهکن، علیرضا؛ محمدی نسب، اکرم. (۱۳۹۵). *بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه ای، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۷، صص ۱۸۶-۱۶۱.
- لیتل، دانیل. (۱۳۷۳). *تبیین در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۶). *تحول در نظریه های روابط بین الملل*، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- مشیرزاده، حمیرا؛ عباسی خوشکار، امیر؛ محروق، فاطمه. (۱۳۹۳). *پژوهش های سیاست خارجی در ترازو: تحلیل مقالات علمی درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی*، سال ششم، شماره ۴، صص ۳۷-۷.
- مشیرزاده، حمیرا؛ مسعودی، حیدرعلی. (۱۳۸۹). *نظریه و پژوهش در روابط بین الملل در ایران: مطالعه موردی رساله های دکتری*، پژوهشنامه علوم سیاسی،

سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۸۸-۱۶۳.

مصفا، نسرين. (۱۳۸۵). **سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مصفا، نسرين. (۱۳۸۸). **عوامل موثر بر کارآمدی موسسات پژوهش روابط بین الملل در ایران**، در بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران، به اهتمام حسین سلیمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، صص ۲۶۶-۲۴۵.

مقصودی، مجتبی؛ حیدری، شقایق. (۱۳۸۹). **الزامات بازنگری درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مقطع کارشناسی علوم سیاسی**، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۲۲۴-۱۸۹.

منوچهری، عباس و همکاران. (۱۳۸۷). **رهیافت و روش در علوم سیاسی**، تهران: سمت.

نظری، علی اشرف؛ محروق، فاطمه؛ عباسی خوشکار، امیر. (۱۳۹۳). **ارزیابی میزان کاربست روش سناریونویسی در پژوهش‌های روابط بین الملل در ایران، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین المللی**، سال ششم، شماره ۳۹، صص ۴۲-۹. نقیب زاده، احمد. (۱۳۹۲). **دولت‌ها معمولاً از علم سیاسی خوش‌شان نمی‌آید**، خبرگزاری دانا، شماره ۱۱۵۵۲۵۶، ۲۰ خرداد ۱۳۹۲، تاریخ دریافت مطلب ۱۳۹۵/۱۱/۱۶، قابل دسترس در:

<http://danakhabar.com/fa/news/1155256/%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA>

نقیب زاده، احمد. (۱۳۹۳). **آیا آموزش علوم سیاسی متحول می شود؟**، خبرگزاری فرارو، شماره ۱۹۴۸۲۲، ۲۹ خرداد ۱۳۹۳، تاریخ دریافت مطلب ۱۳۹۵/۱۱/۱۶، قابل دسترس در:

<http://fararu.com/fa/news/194822/%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4>

نورمحمدی، مرتضی؛ طالبی آرانی، روح الله. (۱۳۹۵). **گسترش فناوری های اطلاعات و ارتباطات: رویکردهای نظری و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۹۰-۱۶۹.

نیک روش، ملیحه؛ جعفری، علی اکبر. (۱۳۹۵). نقش مراجع تقلید و علمای دینی کشور عراق در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۰۵-۱۳۸.

ب) منابع لاتین

Moshirzadeh, Homeira. (2009). *A Hegemonic 'Discipline' in an 'Anti-Hegemonic' Country*, **International Political Sociology**, Vol. 3, No.3, pp 342-346.

Sariolghalam, Mahmood. (2009). *Accomplishments and Limitations in IR*, in Arlene B. Tickner and Ole Waever (eds).

International Relations Scgolarship around the World, London and New York: Routledge. pp158-171

Haji Yousefi, Amir. M. (2010). *Teaching International Relations in Iran: Challenges and Prospects*, Presented to the **Annual Conference of the Canadian Political Science Association**, Jun 2.3 2010, Concordia University, Montreal Canada

Mesbahi, Mohiaddin. (2009). *IR Scholars and International Systems: Learning and Socialization*, **International Political Sociology**, Vol. 3, No.3, pp 346-350.

Wight, Colin. (2009). *Philosophy of Social Science and International Relations*, in **Handbook of International Relations**, Edited by: Walter Carlsnaes, Thomas Risse & Beth A. Simmons, SAGE Publications Ltd, pp. 23.51.

Kurki, Milja. (2008). **Causation in International Relations: Reclaiming Causal Analysis**, Cambridge and New York: Cambridge University Press.